

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدیث غدیر و جانشین حضرت محمد ﷺ

دوره چهارم، شماره، مضمون
پ

دوره چهارم ، شماره هفتم / ۳

نام جزوه: حدیث غدیر و جانشین حضرت

محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

٤ / حدیث غدیر و جانشین حضرت محمد ﷺ

رایگان

فهرست مطالب

- پیامبر با خانه خدا وداع می کند..... ٥
- راویان حدیث غدیر..... ١٥
- معنای حدیث غدیر..... ١٨

دوره چهارم ، شماره هفتم / ۵

پیامبر با خانه خدا وداع می کند

سال دهم هجرت است و موسم حج. بیابان حجاز شاهد جمعیت انبوهی است که همه، با یک شعار به سوی یک هدف گام بر می دارند.

امسال، منظره ی حج، شور و هیجان دیگری دارد و مسلمانان با اشتیاق و شتاب، منزل های بین راه را، پشت سر می گذارند و خود را به مکه می رسانند.

طنین پر تپش لبیک... لبیک، از بیابان مکه به گوش می رسد، قافله ها یکی پس از دیگری به شهر نزدیک می شوند و حاجیان بالباس احرام، یک رنگ، یک نواخت، غبارآلود و اشک ریزان، خود را به حرم امن پروردگار می رسانند و به گرد خانه ای که به

٦ / حدیث غدیر و جانشین حضرت محمد ﷺ

دست قهرمان توحید، ابراهیم خلیل بنا شده است طواف می کنند. فرید وجدی، حاجیان سال دهم هجرت را ۹۰ هزار می نویسد^۱ ولی تا ۱۲۴۰۰۰ هم گفته شده است.^۲

پیامبر اسلام، نگاه می کند: مسجدالحرام از اجتماع مسلمانان موج می زند و همه به حکم «انما المؤمنون اخوة» برادروار و فرشته صفت مشغول نیایشند.

پیامبر خوشحال است که توانسته چنین قدم بزرگی بردارد و به بهترین وجه رسالت خود را بگذارد.

۱. دائرة المعارف فرید وجدی، ج ۳، ص ۵۴۲.

۲. الغدیر، ج ۱، ص ۹.

دوره چهارم ، شماره هفتم / ۷

ولی هاله یی از غم و اضطراب، گاه و بیگاه
چهره‌ی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را فرا
می‌گیرد و شادی را در کامش ناگوار می‌سازد.

او می‌ترسد پس از مرگ، این اجتماع از هم
بگسلد و روح برادری و وحدت از میانشان رخت
بربندد و دوباره به قهقرا برگردند.

پیامبر اسلام خوب می‌داند که امت اسلام، به
راهبری امام عادل و عالم نیاز شدید دارد و در غیر
این صورت، زحمات گرانبها و چندین ساله‌ی او به
هدر خواهد رفت.

به همین جهت، آن حضرت در مسافرت‌ها و
جنگ‌ها که از مدینه بیرون می‌رفت هر چند هم مدت
مسافرت کوتاه بود، زمام امور را به

۸ / حدیث غدیر و جانشین حضرت محمد ﷺ

دست شخصی امین و با کفایت می سپرد و مردم مدینه را بدون سرپرست نمی گذاشت.^۱

بنابراین چگونه می توان تصور کرد که پیامبر دلسوز و مهربان ما، زمام امور امت عظیم اسلامی را پس از درگذشت خود، به دست حوادث سپرده باشد. و باز خوب می داند که این مقام، شایسته ی کیست و لباس خلافت، به قامت رسا و لایق چه انسانی بریده و دوخته شده است.

او همان است که در حضور عده ی زیادی از بزرگان قریش و بستگان پیامبر که به خاطر دعوت به

۱. کامل ابن اثیر، ص ۲۴۲ و ۲۷۸ و ۲۱۶.

دوره چهارم ، شماره هفتم / ۹

اسلام، گرد آمده بودند، به جانشینی آن حضرت
منسوب گردید^۱.

او مردی پاک و خداپرست بود و لحظه‌یی به
خدا شرک نیاورده و به بت سجده نکرده است.

او در راه پیشرفت دین مبین اسلام، سربازی
فداکار است، کانون علمش از سرچشمه‌ی
دانش رسول خداست، دادرسیش، عالی‌ترین قضاوت
به شمار می‌آید^۲.

او دیده و شناخته شده است، او علی، فرزند
ابوطالب است.

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۱۷۱ - ۱۱۷۳.

۲. فضائل الخمسه، چاپ دارالکتب الاسلامیه، ج ۱،
ص ۱۷۸-۱۸۶.

فریضه ی حج، به پایان رسید و مردم به سوی شهرهای خود حرکت می کردند که ناگهان صدای «منادیان» پیامبر، در صحرای حجاز، طنین افکند و مسلمانان را دستور توقف داد، زیرا فرشته ی وحی به رسول خدا نازل شده و این آیه را ابلاغ کرده بود:

«ای پیامبر! آنچه به سوی تو از پروردگارت فرود آمده است، به مردم ابلاغ کن و اگر کوتاهی کنی، رسالت او را نرسانده یی و خداوند ترا از شرّ مردم نگهداری می کند»^۱.

موضوعی که خداوند، پیامبرش را با لحنی تند مخاطب ساخته بود، چیزی جز اعلام رسمی خلافت علی (علیه السلام) نبود که پیامبر از آن خودداری

دوره چهارم ، شماره هفتم / ۱۱

می کرد، زیرا می ترسید موجب اختلاف و شکاف در میان مسلمین گردد و منتظر زمینه ی مساعدی بود تا آن را اظهار کند و پس از نزول این آیه دانست که اکنون موقع آن است، لذا مردم را در نقطه یی از آن بیابان سوزان و خالی از آب و آبادی به نام «غدیرخم» نگه داشت، تا روح اسلام یعنی مسأله ی خلافت و جانشینی را کاملاً روشن سازد.

مردم نمی دانستند که چرا این دستور صادر شده و چه موضوع مهمی پیش آمده است ولی طولی نکشید که نماز جماعت اعلام گردید و پس از ادای فریضه ی ظهر، انبوه جمعیت قیافه ی جذّاب و آسمانی پیامبراسلام (صلی الله علیه وآله) را برفراز

۱۲ / حدیث غدیر و جانشین حضرت محمد ﷺ

منبر بلندی که از «جهازشترها» درست شده بود، مشاهده کردند.

سکوتی عمیق حکمفرما بود... در این موقع سکوت صحرای حجاز را کلمات پر مغز و جالب پیامبر شکست و پس از ستایش پروردگار، خبر جانگداز در گذشت زودرس خود را اعلام کرد و آنگاه فرمود:

مردم! من برای شما چگونه پیامبری بودم؟ همه یکصدا گفتند: یا رسول الله، از پند و اندرز ما فرو نگذاشتی و از موعظه و تربیت ما، غفلت نمودی، خدا تو را پاداش نیکو دهد.

دوره چهارم ، شماره هفتم / ۱۳

...پیامبر فرمود: کتاب خدا و پیشوایان معصوم

بعد از من، دوش به دوش هم راهبر شما هستند و شما باید کاملاً پیرو آنها باشید تا گمراه نشوید.

آنگاه دست علی (علیه السلام) را برافراشت، به

طوری که همه ی حاضران او را دیدند سپس فرمود:

مردم! چه کسی به مؤمنان از خودشان

سزاوارترست و بر آنان ولایت و سرپرستی دارد.

مردم گفتند: خدا و رسولش داناترند.

پیامبر (صلی الله علیه وآله): خدا مولای من

است و من مولای مؤمنان و به آنان از خودشان

سزاوارترم. آنگاه بدون فاصله و تأمل فرمود: به هر که

مولا منم و سمت ولایت و سرپرستی بر او دارم،

علی (علیه السلام) هم بعد از من همین منصب را

۱۴ / حدیث غدیر و جانشین حضرت محمد ﷺ

دارد... من كنت مولاه فهذا علي مولاه... واین جمله
راسه بارتکرار کرد؛ و در پایان سخنان خود فرمود این
حقیقت را حاضران به دیگران برسانند.

جمعیت، هنوز پراکنده نشده بود که این آیه

نازل شد:

امروز دین شما را کامل گردانیدم و نعمت
خویش را بر شما تمام کردم و به این که اسلام دیتان
باشد، راضی گشتم^۱.

پس از پایان مراسم رسمی تعیین جانشین، مردم
از دور و نزدیک بر یکدیگر سبقت می گرفتند تا به

۱. الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم

الاسلام دیناً (سوره ی مائده، آیه ی ۳).

دوره چهارم ، شماره هفتم / ۱۵

حضرت علی (علیه السلام) به عنوان جانشین پیغمبر اسلام تبریک بگویند.

اولین کسی که آمد و خلافت را به علی (علیه السلام) تبریک گفت «ابوبکر» و سپس «عمر» بود آنها در حالی که این کلمات را می گفتند از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) جدا شدند:

«خوشا به حال تو ای پسرابی طالب که مولای من و هر مرد و زن باایمان شده ای»^۱.

راویان حدیث غدیر

در حقیقت راویان حدیث غدیر، متجاوز از ۱۲۰۰۰۰ نفر می باشند، زیرا تمام حاضرین در غدیر،

طبق دستور پیامبر اسلام که فرمود به دیگران اطلاع دهید حدیث غدیر و مسأله ی جانشینی **علی** (علیه السلام) را به عنوان مهمترین حادثه ی سفر، تلقی و برای دیگران بیان کردند^۱. و به همین جهت بود که خاطره ی غدیر در مجامع عمومی مسلمانان هر چند یکبار تازه می شد.

تقریباً ۲۵ سال پس از روز غدیر یعنی زمانی که بسیاری از صحابه ی رسول خدا از دنیا رفته و عده ی معدودی از آنها باقی مانده بودند؛ **علی** (علیه السلام) از مردم خواست هر کس روز غدیر حاضر بوده است و حدیث غدیر را از دهان مبارک پیامبر

دوره چهارم ، شماره هفتم / ۱۷

شنیده است، شهادت دهد. فی المجلس ۳۰ نفر،
برخواستند و حدیث غدیر را نقل کردند.^۱

امام حسین (علیه السلام)، یک سال پیش از
مرگ معاویه، یعنی سال ۵۸ یا ۵۹ هجری، بنی هاشم
و انصار و سایر حاجیان را در سرزمین «منی» جمع
کرد و پس از جملاتی گفت: شما را به خدا سوگند
آیا می دانید که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در
روز غدیر علی (علیه السلام) را برای ولایت - و
رهبری امت اسلام - بگماشت و دستور داد این
موضوع را حاضر به غایب برساند؟
... همه گفتند: آری.^۲

۱. الغدیر، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۶۶.

۲. الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۹ - ۱۹۸.

دانشمندان اهل تسنن نام ۱۱۰ نفر از اصحاب پیامبر که این‌ها حدیث را از پیامبر اکرم شنیده و برای دیگران بازگو کرده‌اند؛ در کتابهای معتبر خود یادآوری کرده‌اند^۱ و عده‌یی از دانشمندان نیز در پیرامون حدیث و حادثه غدیر کتاب ویژه‌یی نوشته‌اند.^۲

معنای حدیث غدیر

شواهدی که در دست است روشن می‌کند منظور از کلمه‌ی «مولی» و «ولی» همان جانشین و سرپرست

۱. الغدیر، ج ۱، ص ۶۱ - ۱۴.

۲. در جلد اول الغدیر، ص (۱۵۷-۱۵۲) ۲۶ نفر از آنان را ذکر می‌کند.

دوره چهارم ، شماره هفتم / ۱۹

امت اسلامی است و با معنای دیگر نمی سازد اینک
به نکات زیر توجه فرمایید:

۱ - دانستیم که پیامبر اسلام (صلی الله علیه
وآله) از مطرح کردن حدیث غدیر بیم داشت و تا
فرمان صریح و شدید از طرف خدا صادر نشد، آن را
اعلام نداشت.

آیا می توان گفت منظور از حدیث غدیر، تذکر
دوستی علی (علیه السلام) بوده است؟ اگر هدف این
بود، اعلام آن ترسی نداشت و اجتماع مسلمانان از
هم پاشیده نمی شد. پس باید منظور همان مسأله ی
خلافت و جانشینی باشد که بیم آن می رفت یادآوری
آن موجب سرکشی و طغیان سوجدجویان گردد.

۲ - پیامبر اکرم، پیش از آنکه جمله ی «من کنت مولاہ فعلی مولاہ» را بگوید، از مردم اعتراف گرفت که خود، نسبت به آنان سزاوارتر است و مقام سرپرستی و زمامداری دارد، آنگاه همان مقام را برای علی (علیه السلام) قرار داد و بلافاصله فرمود:

هرکس که من مولی و سرپرست او هستم، علی (علیه السلام) مولا و سرپرست اوست.

۳ - حسان بن ثابت، واقعه ی غدیر را با اجازه ی پیامبر به شعر درآورد و انتشار داد و مورد تأیید آن حضرت قرار گرفت. در اشعار حسان به مقام خلافت و امامت علی (علیه السلام) تصریح شده است و هیچ کس از آن جمعیت انبوه به حسان اعتراض نکرد که چرا کلمه ی «مولی» را غلط معنی

دوره چهارم ، شماره هفتم / ۲۱

کردی بلکه مورد تشویق و تأیید قرار گرفت و اینک
قسمتی از آن:

فقال له قم يا علي فاني

رضيتك من بعدى اماما وهاديا

فمن كنت مولاه فهذا وليه

فكونوله اتباع صدق 'موالیا

یعنی: (آنگاه که پیامبر اسلام به ولایت و
ریاست دینی و الهی از مردم اعتراف گرفت) به
علی (علیه السلام) فرمود:

برخیز، ای علی، که من به امامت و رهبری

تو پس از خودم رضایت دارم؛ پس هر کس که من

مولی و رئیس دینی و الهی او هستم این علی هم
مولی و سرپرست او است، پس همگی از پیروان
راستین و صمیمی علی (علیه السلام) باشید.

۴- پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از برگزاری
مراسم غدیر با حضرت علی (علیه السلام) در
خیمه ای نشست و دستور داد که مسلمانان و حتی
زنان خودش به علی (علیه السلام) تبریک بگویند و با
او بیعت کنند و به او به عنوان امیرالمؤمنین سلام
دهند.^۱ بدیهی است این مراسم فقط بامسأله ی
خلافت و رسیدن او به مقام امامت و امارت مناسبت
دارد.

دوره چهارم ، شماره هفتم / ۲۳

۵ - پیامبر(صلی الله علیه وآله) دوبار فرمود:

هنیئونی، یعنی به من تبریک بگوئید، چون خداوند
مرا به نبوت و پیامبری و خاندانم را به امامت
اختصاص داد!

با ذکر این شواهد هیچ گونه ابهامی در مورد

حدیث غدیرباقی نخواهد ماند.